

پرسش از پیشکسوتان تئاتر

نمایش خیابانی در تئاتر شهر

اصلی ترین ویژگی نمایش خیابانی نزدیکی با مردم است که تأثیری عمیق بر ذهن و روح تماشاگر می گذارد بنابراین می تواند با طرح مسائل آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و ... با بیانی غیرمستقیم و ناخودآگاه بر تماشاگر تأثیر بگذارد و به هدف اصلی خود برسد.

صفحه ۲

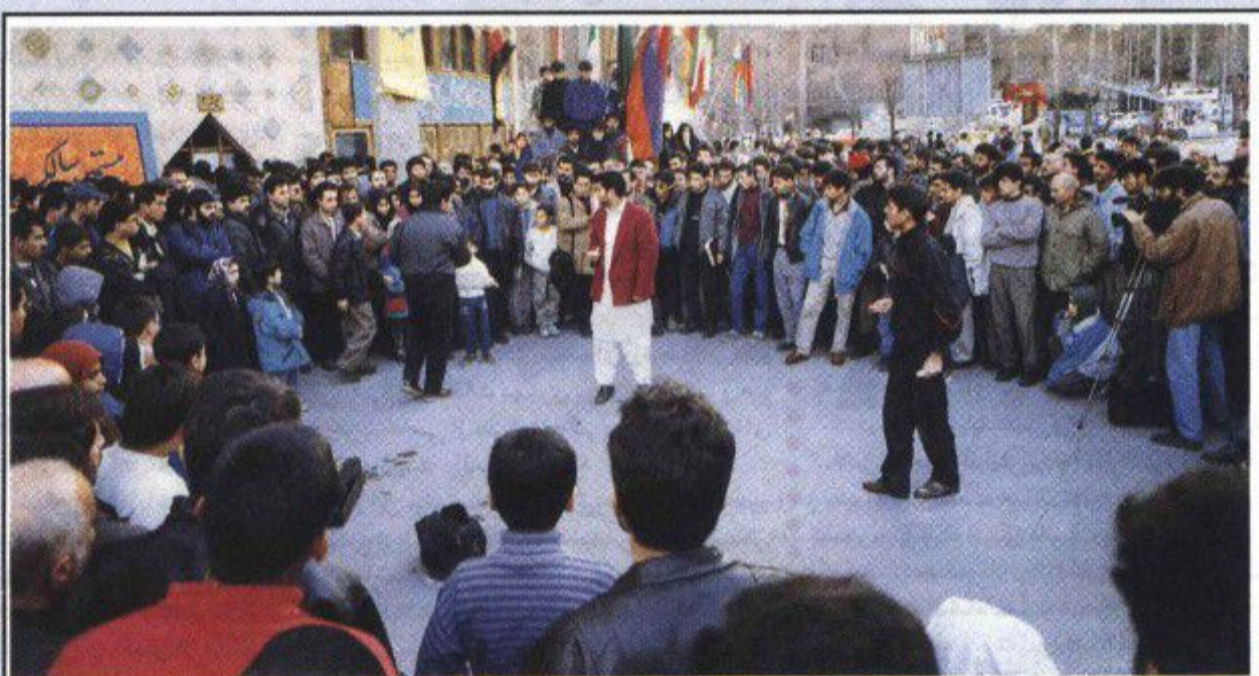
چرا تئاتر را کنار گذاشتید؟

راستی چه شد که آدمهای تئاتری یکدفعه ناپیدا شدند؟

آدمهایی که در تئاتر برای خود و دیگران کسی بودند و بعد ناگهان چون باد در هوا کم شدند راستی اصلی ترین دلیل این گریز چه بوده است؟

شاید فقدان تامین مالی، جذابیت های واقعی و گاه کاذب سینما و تلویزیون سیاست های غلط و نامناسب سیاست گذاران تئاتر از جمله دلایلی باشد که تئاتری هارا از صحنه نمایش دور کرده است

صفحه ۷



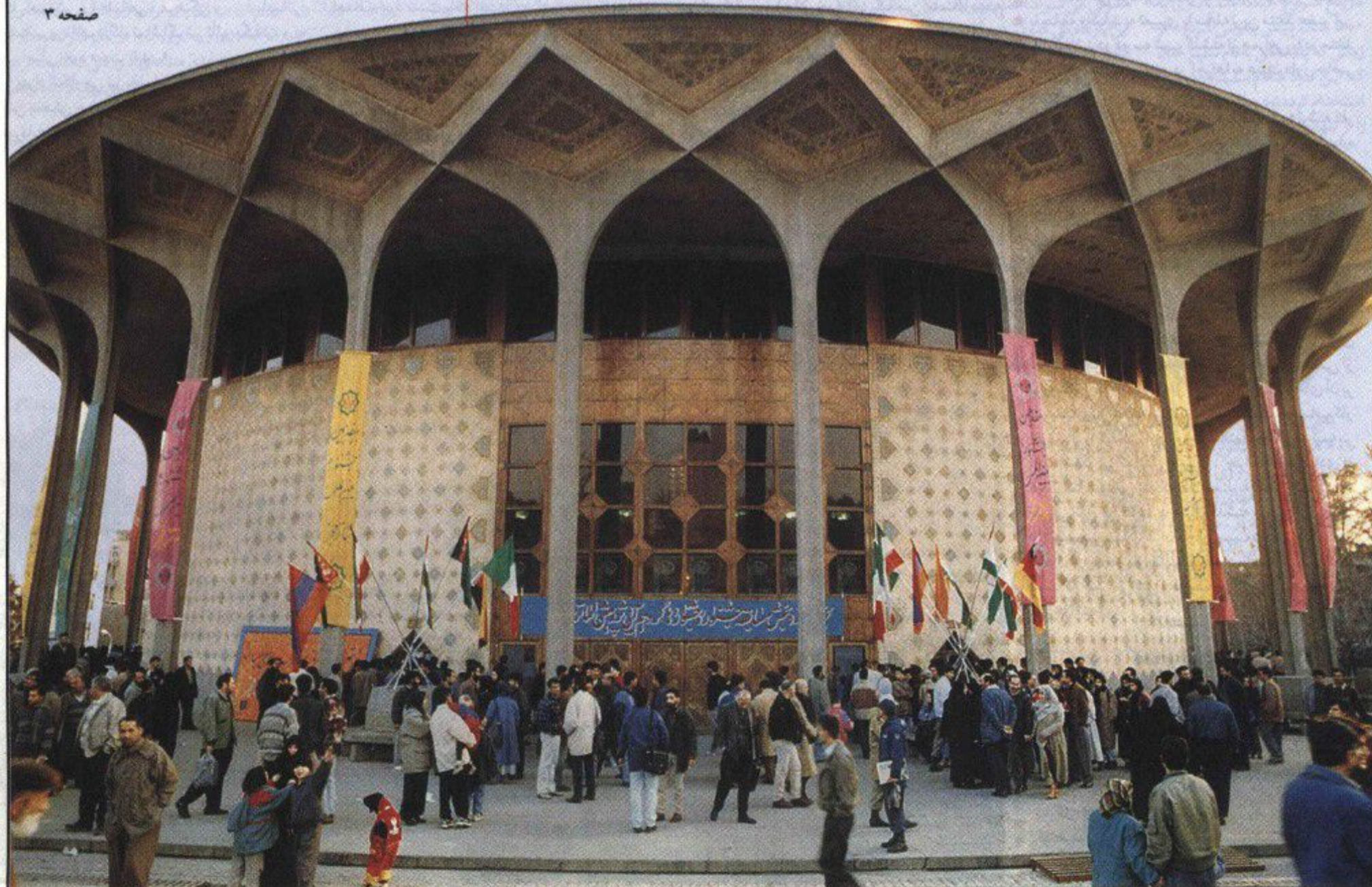
یک بازیگر جوان:

مردم هنوز خیمه شب بازی را دوست دارند

چه بسا کارگردان را گول بزنم

صفحه ۵

صفحه ۳



نمایشی که زندگی در آن جاری است

بارقه های امید...

همزمان با نزدیک شدن به بیستمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، طبق روالی هرساله، جامعه فرهنگی - هنری کشورمان نیز خود را برای برگزاری جشنواره های فجر آماده می کند و در این میان هفدهمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر از سایر رشته های هنری پیشی گرفته است.

از مدت ها قبل حضور بسیاری از چهره های شناخته شده تئاتر کشورمان در صحنه که پیش از آن فعالیت خود را به مسائل آموزشی محدود کرده بودند، چشم انداز امیدوار کننده ای را پیش روی بسیاری از شیفتگان تئاتر کشور قرار داد و بین المللی شدن جشنواره تئاتر فجر امسال خود به مثابه تحقق این نشانه های امیدوار کننده است.

حضور گروه های خارجی تئاتر که برای اولین بار در جشنواره امسال تحقق پیدا کرده، علاوه بر بالا بردن اعتبار جشنواره، از این جهت حائز اهمیت است که پس از برگزاری شانزده دوره رقابت جشنواره ای تئاتر، چرخش قابل ملاحظه ای در دیدگاه سیاست گذاران و مدیریت تئاتر کشور بوجود آمده است.

علی رغم مشکلات مالی که به مانند بسیاری از رشته های هنری گریبانگیر تئاتر کشور است، تغییر ایجاد شده در دیدگاه مدیریت تئاتر کشور و باور این نکته که تئاتر زبانی جهانی دارد و همچنین پرداختن به آثار بزرگ تئاتر جهان به منزله غریزگی و استیلای فرهنگ بیگانه نخواهد بود، نقش بسیار مهمی در جهت از بین بردن محدودیت های موجود تئاتر کشور و فعال کردن این رشته که مادر هنرهاست، دارد.

در این میان باید تلاش وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در جهت افزایش بودجه تئاتر کشور و اختصاص ردیف اعتباری تحت عنوان تئاتر در بودجه سال آینده کشور را نیز نقطه امیددی دانست برای تلاش بیشتر و یکپارچه دست اندرکاران دانشجویان و علاقه مندان به تئاتر کشور. ان شاء الله.

محمدرضا فطرس

پچ پچه های پشت صحنه

• کانون منتقدان که از ابتدا و حتی چند ماهی قبل از جشنواره تئاتر، دچار آشفتگی شده بود، یکی از اعضای هیأت داوران منتخب خود را در نیمه راه از دست داد.

گفته می شود این عضو هیأت داوران که از منتقدان با سابقه و شاید به تعبیری با سابقه ترین منتقد عضو این کانون باشد در دو سه شب گذشته از همراهی با دو منتقد دیگر خودداری ورزید و در اجراها به عنوان داور حاضر نمی شود.

• یکی از بازیگران نمایش «دانگ هفتم» نوشته کار رضا صابری که نمایش آن به عنوان حادثه ای در جشنواره تلقی شد، در هنگام اجرای نمایش پایش دچار ضربدیدگی شد. این بازیگر از اواسط بازی با پای لنگان نقش پادشاه دیوان را ایفا کرد و تنها هنگام فرود آمدن از صحنه دو تن از ملازمانش دو بازوی وی را می گرفتند. جالب اینکه در هنگام نمایش کمتر تماشاگری متوجه این تغییر شد.

• از همان روزی که مدیر مرکز هنرهای نمایشی اعلام کرد حتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز برای دیدن نمایش باید از باجه بلیت بخرد، بعضی از نورچشمی ها که هرساله از خزانه تئاتر و بلیت های آن بر سر بسیاری از علاقه مندان منت می نهادند، حساب کار خودشان را کردند. این روزها سالنهای خالی و نیمه پر از تماشاگر نیز تماشایی است. چرا که تنها افرادی به دیدن نمایشها می آیند که علاقه مند به تئاتر هستند. ظریفی نقل می کرد: در سال گذشته درهای تئاتر شهر بر اثر هجوم تماشاگران دچار آسیب دیدگی شد، اما امسال در بعضی از سالنها، جمعیت به قدری اندک است که حس می کنی، در یک روز غیرجشنواره به دیدن تئاترها آمده ای.

تصحیح و پوزش

در شماره نخست این ویژه نامه مصاحبه ای با آقای «تاجبخش فناپیان»، کارگردان نمایش «نصف شب است دیگر دکتر شوایتزر» به چاپ رسیده بود. در این مصاحبه که با عنوان «تئاتر صحنه مسابقه نیست» درج شد، بر اثر یک لغزش فنی و جایجایی تیتراها، از آقای فناپیان به عنوان «بازیگر» یاد شده بود که ضمن پوزش از ایشان، به این وسیله تصحیح می شود.

قدرت گویایی این گونه نمایشی را بیشتر کنند. شکارچی نیز گفت: «طبق تعریفهایی که ارایه می شود تئاتر خیابانی به اهدافش دست نیافته است چون برای نمونه ما هنوز می بینیم که بسیاری تئاتر خیابانی را با پوزخند یاد می کنند. ولی به هر حال در این مدت توجه ویژه ای به این مقوله بخصوص از جهت کمی شده که امید است این رشد کمی، رشد کیفی را نیز دربرداشته باشد.»

با تمامی این توضیحات مطلب قابل توجه این است که حتی گروه های نمایش خیابانی نیز شناخت صحیحی از این مقوله نیافته اند و به اهداف آن دست نیافته اند آنگونه که اگر قرار باشد همزمان دو کار یکی صحنه ای و دیگری خیابانی به آنها پیشنهاد شود به اولی رغبت بیشتری نشان می دهند.

شکارچی در تأیید این موضوع معتقد است: «من بخاطر شرایط و بحثی که بر تعاریف و امکانات صحنه ای وجود دارد، کار صحنه ای را قبول می کردم.» رحیمی فکر می کند: «جذابیت های بسیاری در کار خیابانی وجود دارد ولی با این حال با توجه به تجربه ای که من از سالهای شروع این هنر داشته ام کار صحنه ای را برمی گزیدم حتی خود من به این دلیل که سالن در اختیار نداشتم، این مقوله را انتخاب کردم و من کار را در قالب خیابانی عرضه کردم.»

قادری نیز گفت: «من از سال ۶۱ تئاتر را با کار صحنه ای شروع کردم و کار صحنه ای را ترجیح می دهم چون هم از امکانات بهتری برخوردار است و هم چارچوب خاصی از نظر تماشاگر و وسایل صحنه ای دارد که مرا بیشتر جذب می کند.»

در این میان تماشاگران را نیز نباید از نظر دور داشت یعنی اگر قرار باشد تئاتر خیابانی ارتباطی منطقی و مؤثر با تماشاگرش برقرار کند و این ارتباط مهمترین ویژگی آنها باشد گروه های نمایشی خیابانی باید در وهله اول ذائقه تماشاگر را مدنظر داشته باشند تا با دستیابی به سطح فهم و خواست بیننده آثارشان را ارایه کنند.

اشکان غفارعدلی - دانشجوی تئاتر: «نمایش خیابانی در اروپا به این خاطر شکل گرفت که نمایشها مجوز اجرا نمی یافتند و چون باید از دست مأمورین احتمالی که در خیابان وجود داشتند فرار می کردند از آوردن وسایل زیاد صحنه ای و دکور خودداری می کردند. نمایشهای خیابانی که من امسال دیدم متأسفانه خصوصیت جذابیت و اختصار را دربر نداشتند. بسیاری از این آثار قابلیت اجرا در صحنه را دارا بودند و به نظر می رسد که این گروهها به خاطر نداشتن موقعیت اجرای صحنه ای به نمایش خیابانی روی آورده اند.»

شهردار، رئیس اداره محیط زیست و... صورت گیرد، تعریف می کند. دولتها هرکدام نظری درباره این مجسمه و جهت آن ابراز می کنند و مجسمه عملاً از بین می رود. شکارچی در مورد اهداف و ویژگی کار خیابانی معتقد است: «یک سری تعاریف در این باره وجود دارد که با آنها کاری ندارم و معتقدم که این گونه نمایش نیازمند چارچوبی مشخص و از پیش تعیین شده است یعنی بسته به حال و هوای اجرا می تواند شکل بگیرد. فقط در این مورد باید از ساده پسندهای تماشاگر حذر کرد تا بتوان به نمایشی مؤثر دست یافت.»

حسن قادری یکی دیگر از کارگردانهای شهرستانی این جشنواره است که با نمایش «گوهر شب چراغ» از قوچان در جشنواره شرکت دارد. این نمایش براساس یک داستان واقعی شکل گرفته و در مورد یافتن یک ششی توسط یکی از دانش آموزان روستایی است که آن را گوهر شب چراغ معرفی می کند.

بیننده شاهد عکس العملهای ۳ دوست دیگر او در این مورد است، قادری می گوید: «من برای اولین بار است که در این بخش شرکت می کنم و اطلاع زیادی از آن ندارم. اما فکر می کنم ویژگی این نمایش براساس گروههایی که از وقت یا بودجه کافی برخوردار نیستند شکل می گیرد و تماشاگران آن را هم افرادی که بودجه تماشای نمایشهای صحنه ای را ندارند و در ضمن از جهت قوانین اجرایی حاکم بر نمایش با مشکل روبرو هستند، اجرا می شود.»

از این تعاریف و مرزبندیها که بگذریم روشن است که نمایش خیابانی با اهداف مشخصی که از سوی متولیان آن ترمیم شده به اجرا درمی آید. هرچند این اهداف که می توان به آنها آشنایی مردم با هنر تئاتر، استفاده از موضوعهایی که اجازه حضور در روی صحنه را ندارند و... را نیز افزود اما دستیابی به اینها شرایط و گروههایی را می طلبد که در این راه بتوانند از توانایی لازم در ابراز آن برخوردار باشند و یکی از راههای آن اجرای ۱۰۰ روز نمایش خیابانی و جشنواره های مختلف است. اما سئوال اینجاست که آیا مسئولان برگزارکننده و گروهها توانسته اند در این مدت به اهداف خود دست یابند؟

رحیمی گفت: «طی این چند سال که نمایش خیابانی شروع شده پیشرفت هایی داشته و تا حدودی به اهداف خود دست یافته است. برای وصول نتیجه ای بهتر و دستیابی به تمامی اهداف تعیین شده، گروهها نیازمند حمایت و پشتیبانی بیشتر، آزاد بودن در انتخاب موضوع و بیان آن و ایجاد گروههایی مستمر است که در طول سال تأمین شده و نمایش ارایه دهند. از سویی گروههای نمایشی نیز باید با پرداختن به موضوعهای روز

چند سال است که مسئولان و متولیان تئاتر کشور در رویکردی مناسب، توجه ویژه ای به تئاتر خیابانی نشان داده اند. تئاتر خیابانی گونه ای از نمایش است که در فضایی باز انجام می شود و در حقیقت عوامل سیاسی و اقتصادی موجب شکل گرفتن این نوع نمایش شده است.

تئاتر خیابانی از نمایش صحنه ای حاصل شده است اما به خاطر نوع اجرا از شکل خاصی برخوردار شده و ویژگیهای مربوط به خود را یافته است.

در حال حاضر مهمترین مطلبی که باید مدنظر مسئولان و اهالی نمایش قرار گیرد علاوه بر به دست آوردن تعریفی جامع شناخت هرچه بهتر ابزار و وسایل بیانی این شیوه نمایشی است که اهداف آن را کاملاً برای اجراکنندگان و برنامه ریزان ترمیم نمایند.

کسانی که نسبت به این مقوله توجه نشان می دهند، اجرای این گونه نمایش را دستاویزی برای شناساندن هنر تئاتر به عموم مردم می دانند. اما باید توجه کرد که اینگونه نمایشها باید طوری اجرا شود که معرفی به بهترین وجه صورت بگیرد و عاملی برای جذب تماشاگران شود نه موجب فرار و تنفر آنها.

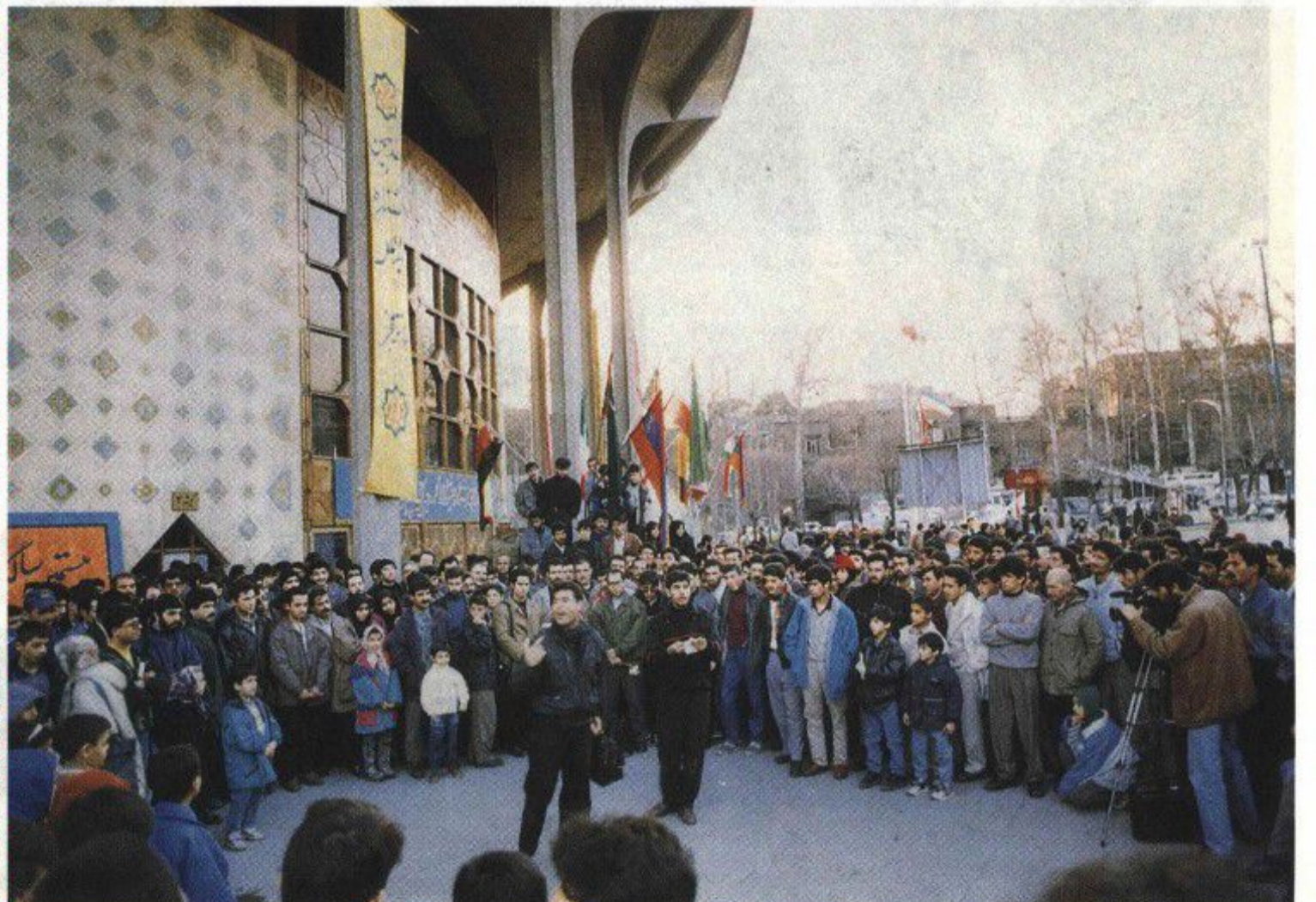
هفدهمین جشنواره تئاتر فجر بیش از ۴۰۰ اجرا را در ۳۳ مکان مختلف تئاتر در نظر گرفته است. اما باید توجه داشت در چنین سطح وسیعی از نمایش کیفیت تاحد زیادی پایین می آید و این موضوع کاملاً باید مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد.

یکی از اجراها در این بخش، نمایش «مسابقه» به کارگردانی سوسن رحیمی است.

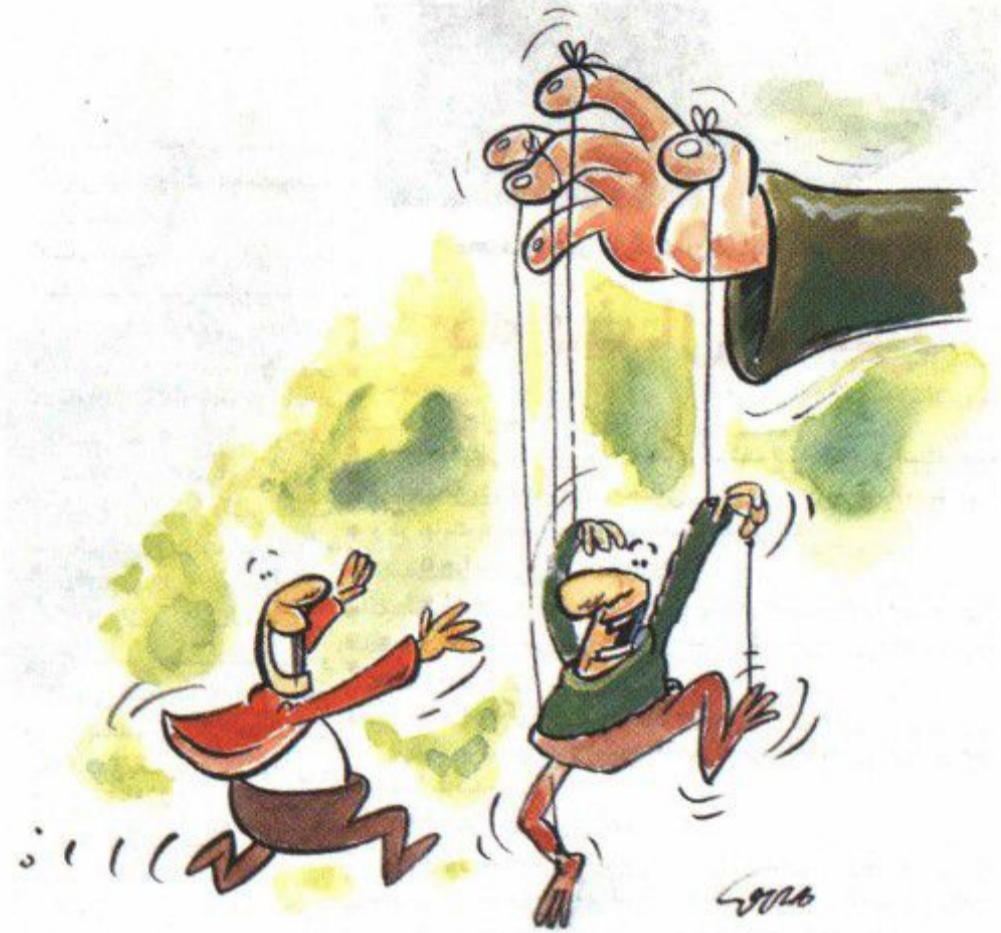
این نمایش داستان دو نفر است که بر سر تصاحب یک صندوقی که آن را جزو سوابق اجداد و نیاکان خود می دانند نزاع می کنند. این نزاع بالا می گیرد و شخصی که از آنجا رد می شده، آنها را به مسابقه دادن ترغیب می کند اما این رقابت قانون خاصی ندارد و در این بین آنها دانشجویی را به قضاوت می طلبند و او به آنها گوشزد می کند که هر مسابقه ای باید از قانون و قاعده برخوردار باشد وگرنه به نتیجه ای منطقی دست نمی یابد.

رحیمی درباره اهداف و ویژگیهای تئاتر خیابانی می گوید: «اصلی ترین ویژگی نمایش خیابانی نزدیکی با مردم است که تأثیری دو چندان بر ذهن و روح تماشاگر می گذارد بنابراین یک نمایش خیابانی می تواند با طرح مسائل آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و... با بیانی غیرمستقیم بر ناخودآگاه تماشاگرش تأثیر بگذارد و به هدف اصلی خود دست یابد.»

بهزاد شکارچی نیز با نمایش «مجسمه جهت دار» در این بخش حضور دارد که این نمایش داستان پرده برداری از یک مجسمه را که قرار است با حضور



مردم هنوز به «خیمه شب بازی» علاقه دارند



خیمه شب بازی، مشهورترین و رایج ترین نمایش عروسکی سنتی ایران است که قدمتی طولانی دارد. دیرزمانی است که خصوصاً در روستاهای دورافتاده همچون یک سرگرمی برای کسانی بوده است که کمتر عاملی برای خنده داشته اند، این نوع نمایش عروسکی معمولاً به مناسبت عروسی و تولد در خانه ها برای همگان در قهوه خانه و مراکز عمومی به نمایش درمی آمده است. تاریخ شروع خیمه شب بازی به ۵۰۰ سال پیش بازمی گردد. از زمانی که پادشاهی به نام سلیم خان که این فرد غلام سبزه رویی را استخدام کرده بود به نام مبارک که او را از تنهایی درمی آورد. در خیمه شب بازی به علت

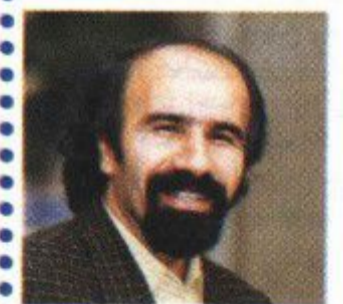
سیار بودن عروسک ها در کوچکترین اندازه ساخته می شود اما کارایی کافی دارند تنها با یک یا دو نخ به حرکت درمی آیند. به همین علت نوع حرکت آن بی نظیر است. به عنوان نمونه عروسک ها راه نمی روند بلکه می پرند و قادرند عمیق ترین احساسات انسانی را جلوه گر سازند. نمایش اصلی بازگشاه سلیم خان نام دارد (یک به یک معرفی می شوند) تمام حوادث در این بازگشاه می گذرد. در یک نمایش کامل که از غروب تا سپیده صبح ادامه می یابد حدود ۱۲۰ شخصیت حوادث مختلفی می آفرینند. در این نمایش جدا از سرگرمی های مختلف نیکی و بدی در مقابل هم

می ایستند. نیکی پاس داشته و بدی نهی می شود آنکه در خیمه شب بازی در راه برقراری نیکی می کوشد مبارک است شخصیت اصلی مبارک یک غلام سیاه و سلیم خان تمام امور بازگشاه را به عهده دارد و با همه مردم شوخی می کند. مبارک همچون برادران عروسکی اش (پانچ، کاسپرل، ترو گز، پتروشکا) نماینده محرومان جامعه است و از حقوق آنان دفاع می کند و بر ظالمان می تازد. نقال یا مرشد تمام گفته ها را تفسیر می کند و همزمان به هدایت صحنه می پردازد. خیمه شب بازی همچون دیگر هنرهای سنتی از پدر به پسر می رسد یا استاد به شاگرد می آموزد یعنی

آمورخته ها تجربی است و شاگرد ساده ترین وظایف را انجام می دهد تا آن چه را که باید بیاموزد اول دستیار و بعد جانشین پدر یا استاد شود «کاکا ممد» از مشهورترین خیمه شب بازیان ۲۰۰ سال اخیر ایران است که به فرزندان و چند شاگردش این هنر را آموخته است. اصغر احمدی ۷۰ ساله نوه کاکا ممد از ۱۳ سالگی نزد پدر بزرگ و پدرش به اجرای خیمه شب بازی پرداخته است. او در عروسی و تولد و قهوه خانه به اجرای نمایش خیمه شب بازی می پردازد. به این بهانه گفتگویی انجام دادیم با استاد علی اصغر احمدی آخرین نسل خیمه شب بازی ایران. علی اصغر احمدی درباره خیمه شب بازی می گوید: خیمه شب بازی به فراموشی سپرده نشده بلکه رونق آن از زمان قدیم هم بیشتر است. در روزگاران گذشته، شهرها کوچک بود اما هم اکنون شهرها گسترش پیدا کرده، اما علاقه مردم به تئاتر خیمه شب بازی بیشتر شده است. وی در ادامه می گوید: تمام تئاترها با خیمه شب بازی آغاز شده، یعنی در واقع می توان گفت که «خیمه شب بازی» ما در تئاتر امروز است مبارک و نمایشنامه های شیرین و فرهاد، یوسف و زلیخا و چهار درویش از شخصیت مبارک و سلیم خان در تئاتر خیمه شب بازی به وجود آمده.

علی اصغر احمدی درباره مشکلات خیمه شب بازی می گوید: مشکل اصلی ما نبود دانشگاهی است که افرادی را تربیت کند تا خیمه شب بازی فراموش نشود که در این باره باید وزارت ارشاد تصمیم گیری کند. استاد احمدی در ادامه می گوید: خیمه شب بازی نسل اندر نسل به ما رسیده ما آخرین بازماندگان این تئاتر سنتی در ایران هستیم. وی در پاسخ به سؤال ما که برگزاری جشنواره تئاتر چه کارکردی برای تئاتر کشور دارد، می گوید: تئاتر را مردم می بینند و ایراد و اشکالات هر تئاتر را می گویند که این در بهبود تئاتر ما خیلی تأثیر دارد.

عاطفه طلوع



گروه های متقاضی شرکت در جشنواره دعوت کرد تا مدارک لازم را به این کمیته ارسال کنند. ۵۳۳ فرم درخواست به دفتر مرکزی رسید که از آن میان هشتاد گروه نمایشی انتخاب شدند و کار بازاریابی آثار آغاز شد. ترکیب کمیته بازمینی چگونه بود؟ بازمینی تئاترهای متقاضی شرکت در جشنواره را در تهران آقایان داود رشیدی، حمید رضا افشار و رضا عمرانی و در شهرستان ها آقایان حسین مسافر، رضا فیاضی، عباس شادروان، حسین رازی، محمود فرهنگ و من برعهده داشتیم. چه اقداماتی برای آماده کردن سالن ها برای برگزاری جشنواره انجام شده است؟ بیشتر از یک ماه است که همکاران ما به طور شبانه روزی مشغول آماده سازی سالن ها، تجهیز آن ها و تدارک برنامه های اجرایی هستند و امیدواریم با زحمات بسیاری که کشیده شده مشکل خاصی در برنامه های اجرایی در طول جشنواره پیش نیاید. پیش فروش بلیت های جشنواره از کی آغاز شد و آیا تسهیلاتی برای دانشجویان رشته نمایش در نظر گرفته شده است؟ پیش فروش بلیت ها در تئاتر شهر و تالار وحدت از هفته گذشته آغاز شد و برای دانشجویان رشته نمایش با ارائه معرفی نامه از دانشگاه ۴۰ درصد تخفیف در نظر گرفته شده است.

آسیب شناسی تئاتر ایران - ۲

آموزش؛ دلسوزان بدون بینش

دکتر سید مصطفی مختاباد

بحث آموزش تئاتر مطلبی چندان نو نیست، مراد از این تعبیر در برداشت اول ایجاد تحول در محیط و طبیعت انسانها و یا مخاطبان هنر تئاتر است، یعنی آنها آموزش خوبیها و زیباییها را از طریق این هنر دریابند. به بیان «ریچارد کرتنی»، تئاتر بطور اصولی و هنرها عموماً باعث رشد و تحول بنیادی در تصور، تخیل و خلاقیت می شود، نوعی خلاقیت متفاوت که موجب بروز زندگی بهتر در انسانها می گردد. خط سیر بحث در این حوزه بسیار گسترده است. چه بسا می توان از دید جامعه شناسی آموزشی تئاتر آن را پی گرفت و با دقت دریافت، تئاتر چه نقشی به عنوان یک رسانه و پدیده هنری در امر آموزش انسانی و اشاعه کردارها، هنجارها، نمادهای مثبت اجتماعی آن هم در شرایط تکثر رسانه ای فعلی دارد.

اما آنچه گفتار ما در پی آن است ارزیابی سیستم و نهاد آموزشی هنر تئاتر در کشور ماست که با بررسی در ابعاد گوناگون تشکیلاتی، انسانی، پژوهشی و... تئاتر شاید بتوان اندیشه اصلاح این سیستم فرسوده را در اذهان مسئولین نظام آموزشی تئاتر کشور بیدار کرد تا آنها بر حسب وظیفه ای که دارند به نقش خود در رفع نواقص و پاسخ به نیازهای اصولی و پویا کردن این سیستم وقوف یابند.

نظام آموزش تئاتر در سالهای دور قبل از ۱۳۲۰ به صورت دست و پا شکسته در کشور ما شروع شد و تا سال ۴۰ پا درحریم سیستم آموزش عالی نهاد. ساختار این نظام آموزشی کپی مطلق از سیستم های آموزش اروپا و امریکا بود.

در این سالها که باید آن را دوره آزمون و خطا نامید فارغ التحصیلان با اندک بضاعت از نظر استادان، منابع و امکانات نتوانستند چندان نقشی برای ایجاد تحول و بومی نمودن تئاتر ایران ایفا کنند، ولی حضور این جریان آموزشی موجب گشت که اندیشه تئاتر و آموزش آن در کشور ما رسمیت یابد.

در بعد از انقلاب که انتظارات برای ایجاد تحول خودبه خود افزایش یافت امید می رفت که دلسوزان برنامه ریز نظام آموزشی تئاتر با تفکر بر ضعفهای به ارث رسیده به رفع موانع و اصلاح جریان آموزش تئاتر با جهان بینی و اشراف روزآمد برآیند و برنامه ای مدون کنند که بتواند ضامن بقا علمی و فکری تئاتر کشور باشد، طرحی که می بایستی از پایین ترین سطوح آموزش مهد کودک تا مدرسه و دانشگاه را در برگیرد ولی این امید و انتظار عبث بود چون آن دلسوزان نه تنها آن بینش و نگرش را نداشتند، متأسفانه با خلق سیستمی غلط که از به هم ریختن نظام آموزشی قبلی حاصل شد آش ترشی پختند که تا سالها مشکل گوارشی آن باقی خواهد ماند.

این برنامه ریزان به نحوی پای برجای پای برنامه ریزان قبلی نهادند، چرا که نیاز جامعه، امکانات و توان مادی و معنوی آن را در نظر نگرفتند، در این طراحی هیچ گونه دور اندیشی در زمینه های متدهای آموزشی، منابع، تربیت استادان، ایجاد کارگاهها و... که بتواند این هنر را روی ریل توسعه و تحول قرار دهد به عمل نیامد.

حاصل این غفلت و رزی موجب شد تا مؤسسه ای خصوصی اجازه یابد در یک دوره آموزشی ششصد دانشجو در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد پذیرش نماید، در حالی که امکانات و منابع علمی و آموزشی و انسانی آن در حد یک مدرسه روستایی دور افتاده قرار نداشت. با این تفاسیر کارنامه نظام آموزشی تئاتر در بعد کمی و نه در ابعاد آکادمیک و کیفی قابل اعتنا است.

مرکز هنرهای نمایشی به عنوان متولی امور اجرایی و فکری تئاتر کشور در امر آموزش، سیاست و استراتژی دقیقی را دنبال نمی کند، این مرکز هنوز نتوانسته یک جزوه درمورد نظام و متدهای آموزش تئاتر که با معیارهای روز جهانی و متناسب با توان داخلی است انتشار دهد.

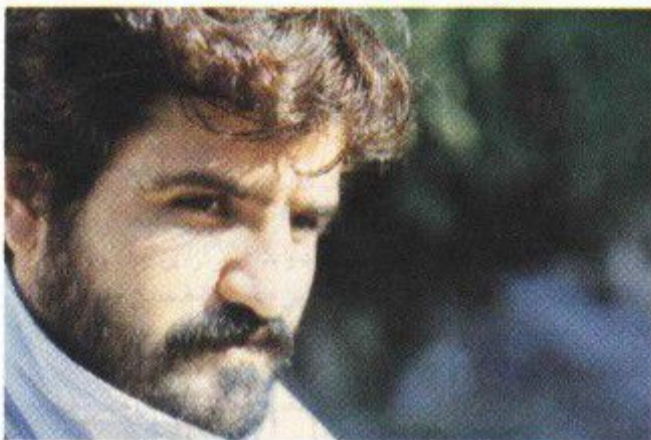
آموزش و پرورش با توجه به اینکه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را زیر حوزه خود دارد و حتی هنرستانهای هنری را راه اندازی کرده است نه در بخش آموزش فوق برنامه مدارس و نه در بحث نظری جایی برای آموزش تئاتر در نظر نگرفته است.

هر هنری اگر با آموزش و تربیت اصولی همراه نباشد نارس و ناقص رشد می نماید و در زمانی نه چندان طولانی در تقابل با آنها و موانع از صحنه هستی هنری حذف می شود.

آموزش یکی از اساسی ترین عناصر هنر تئاتر است. برای بقای این هنر باید با تشکیل شورای عالی از همه نهادهای ذی نفع، و دعوت از صاحب نظران آموزش تئاتر با ارزیابی ضعفها به تدوین برنامه ای مدرن، متناسب با نیازها، اهداف و توان جامعه دست یازیم، در آن صورت نظام و سیستم آموزش دانشگاهی و غیر دانشگاهی می توانند به حرکتی طبیعی به سوی آینده ای روشن ادامه دهند.

در غیر آن صورت تعدد مراکز، فارغ التحصیلان و کارمندان آموزش عالی و هنرمندان تیردار در پیچه خلاقیت و شکوفایی تئاتر گشوده نمی شود. پی نویسی:

Richard Courtney, Replay: studies of Human Drama in Education * p. (Toronto: The Ontario Institute for studies in education)



مجید پرهیز کارگردان نمایش جل پشت ها:

به دنبال معبود

● از جل پشت ها بگوئید.

● داستان نمایش حکایت خدای گم شده انسان امروزی است. قهرمان داستان جل پشت ها راههای مختلفی را برای یافتن معبود خود آزمایش می کند و در نهایت به نتیجه ای مطلوب دست پیدا می کند.

● چرا به سراغ این مضمون رفتید؟

● شناختن و یافتن خدا، حساسیت خاصی را طلب می کند من هم تصمیم گرفتم که در این نمایش این حساسیت و ظرافت را به تماشاگر نشان بدهم.

● با چه انگیزه ای در جشنواره حضور پیدا کردید؟

● برای بیان حرف های نو باید حضور فعالی داشت و من زمینه این حضور را مساعد دیدم.

● حرف تازه ای برای گفتن دارید؟

● نیاز شناخت خداوند در انسان و درک اسرار کائنات. ما می خواهیم بگوئیم که باید این حس در انسان زنده شود تا در راه شناخت گام بردارد.

● برگزاری جشنواره شما را به هدفان نزدیک کرده است؟

● اگر آنچه که خواست برگزارکنندگان جشنواره است تحقق یابد، ما هم به هدفمان که رشد و تعالی فکری جامعه و تبادل فرهنگ هاست نزدیک می شویم.

● برگزاری شانزده دوره جشنواره چه تأثیری بر روند کمی و کیفی تئاتر به خصوص در شهرستانها گذاشته است؟

● هر دوره بهتر از دوره قبلی برگزار شده اما تأثیرات آن برای تئاتر شهرستانها قابل توجه نیست به طور کلی به حضور مدیران جدید خیلی امیدوارم و فکر می کنم که تئاتر ایران با سرعت بیشتری رشد یابد.

● مهمترین مشکل شما به عنوان یک کارگردان تئاتر شهرستان چیست؟

● اصلی ترین مشکل ما کمبود بودجه و متعاقب آن افت کیفی کار است که موجب عدم استقبال تماشاگر می شود خود این امر باعث دلسردی گروه های تئاتر شهرستانی شده است.

● از روند برگزاری جشنواره و امکاناتی که در اختیار شما قرار گرفته راضی هستید؟

● ما از ماهدشت برای اجرای نمایش به تهران آمده ایم در حالیکه مسئولان جشنواره فقط یک اجرا برای ما در نظر گرفتند و این بی انصافی است. ضمن این که مسئولان برگزاری جشنواره فقط ۵ روز اول، مسئولیت اسکان ما را بر عهده گرفتند در حالیکه ما باید تا روز آخر و اعلام نتایج داوران، در تهران باشیم. حالا باید با این کمبود بودجه گروه را ۱۰ روز با هزینه خودمان اسکان دهیم.

کتایون فیض مرندی طراح صحنه نمایش

دادگاه جنجال برانگیز:

طی تمرین، طرح خود را ارائه می دهیم

● طراحی صحنه چه تأثیری در ارائه کار بهتر و اجرایی مناسب تر دارد؟

● طراحی صحنه نقش به سزایی در اجرای گروه دارد. بطوریکه وظیفه اش تمام ویژگیهای دیداری در نمایش است. با توجه به این نکته اگر در کار خود مرتکب اشتباه شود به کل کار لطمه می زند و تشخیص درست برای یک طراح صحنه بعنوان مهمترین عامل بشمار می آید.

● توضیحاتی در مورد کارگاه های دکور بدهید.

● کارگاه دکور شامل کارگاههای زیرسازی، روکش، چوب، آهنگری و رنگ آمیزی است که هر کدام آدمهای فنی خود را می طلبد با این تفاوت که آهنگر ساختمان و نجار نیستند و قطعاً تشخیص می دهند که کار را برای صحنه و مدت معینی می سازند از ویژگیهای کار مجریان طرح می توان به سبک بودن، محکم بودن، قابلیت مونتاژ و ... اشاره کرد. در حقیقت یک طرح بدون مجریان خوب امکان اجرایی پیدا نمی کند و طراحان صحنه مدیون کار مجریان خوب خود هستند.

● در طرحهایتان بیشتر از کارهای حجیم استفاده می کنید یا سبک؟

● روند خاصی در کارهایم ندارم بلکه بستگی به خود نمایش دارد و باید دید چه عناصری بیشتر می تواند در خدمت کار باشد تا به معانی بصری کار کمک کند. در کارم با یک فرض مشخص کار نمی کنم، این طور نیست که متن را بخوانم و طرح بزنم.

● با حضور در تمرین ها و با توجه به کار بازیگران به مرور زمان در طی تمرین طرح خود را ارائه می دهیم.

قطب الدین صادقی:

آخرین بار نیست که در جشنواره شرکت می کنم

● من طالب هر نوع تبادل

فرهنگی هستم، تبادل فرهنگی نگاه ما را نسبت به انسان، جامعه و دنیا بازتر کرده و باعث می شود خودمان را با دیگران مقایسه کنیم - چه از نظر فکری، چه از نظر زیبایی شناسی، تا به اشکالهایی که در خود داریم واقف گردیم.

● در دوران تازه (که با ریاست جمهوری آقای خاتمی آغاز شده) چه تحولاتی در عرصه تئاتر به وجود آمده است؟

● تأثیر بسیار خوبی داشته،

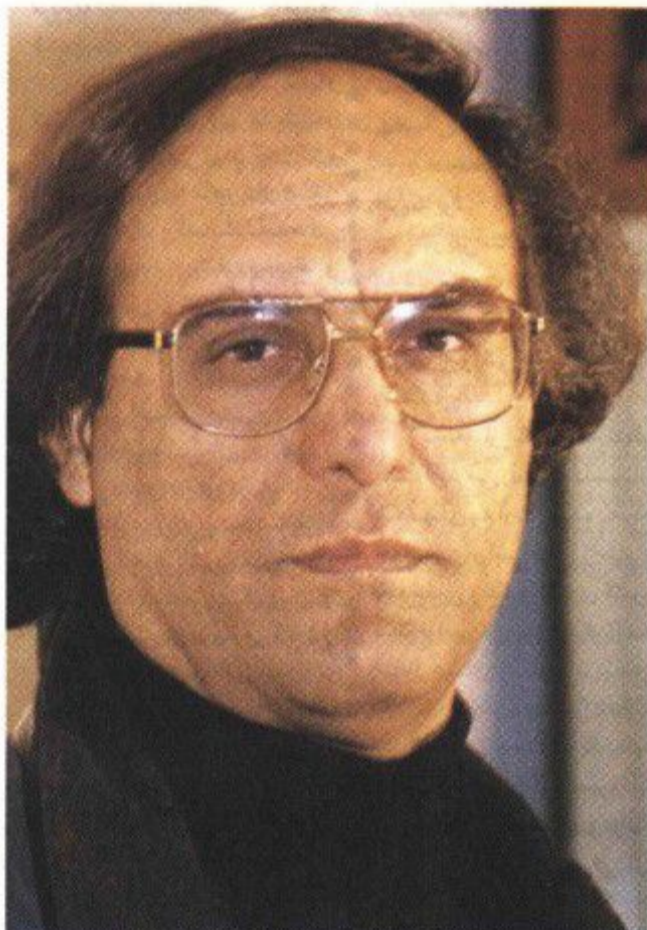
هسته اصلی بازیگران این نمایش

بچه های اند که سالهاست با هم کار می کنیم، گروه ما یک تعریف واحد از تئاتر دارد و این بزرگترین عاملی است که ما را دور هم جمع کرده است تا بتوانیم براساس توانایی های خود ارتباط لازم را با مخاطبانمان برقرار کنیم و نتیجه ای خوب داشته باشیم.

● چرا در جشنواره شرکت کرده اید؟

● اولین باری نیست که در

جشنواره شرکت می کنم و بار آخر هم نخواهد بود من همواره برای صحنه کار



من به آقای خاتمی، دکتر مهاجرانی و دیگر همکارانشان ادای احترام می کنم. در این دوران یک شور و شوق بسیار خوبی در سطح ملی ایجاد شد، خیلی از هنرمندان را این بود که به همراه گروه خود این نمایش را برای اجرای عمومی آماده کردیم و تصمیم گرفتیم در جشنواره هم شرکت کنیم.

● در مورد بین المللی شدن جشنواره چه نظری دارید؟

کرده ام، منتهی در ایام جشنواره یک شکوفایی سیاسی، فرهنگی بوجود آمده و هنرمندان تهران و شهرستانی در کنار هم به تبادل فرهنگی می پردازند و من هم باید گوشه ای از کارها را بگیرم.

این بود که به همراه گروه خود این نمایش را برای اجرای عمومی آماده کردیم و تصمیم گرفتیم در جشنواره هم شرکت کنیم.

● در مورد بین المللی شدن جشنواره چه نظری دارید؟

● از موضوع نمایشستان بگوئید.

● نمایش آرش یک روایت ادبی نوشته بهرام بیضایی است که ده سال پیش آن را برای اجرا تنظیم کردم ولی به علت مشکلات موجود موفق به اجرای آن نشدیم، اکنون بعد از ۱۰ سال با ۹ بازیگر دیگر و سه نوازنده، متن را به صحنه بردیم، موضوع نمایش همان اسطوره قدیمی تعیین مرز ایران و توران در آن دوره از تاریخ اساطیر ایران است که هم زمان با دوره منوچهر شاه در شاهنامه می باشد، البته در شاهنامه هیچ اشاره ای به این موضوع نشده و تنها در اوستا در گشت تیر در مورد آن صحبت شده است، به همین دلیل می توان گفت آرش پیش از اینکه یک اسطوره حماسی باشد، یک اسطوره مذهبی است. در این داستان صحبت از ایشار یک مرد است در راه سرزمین خود و این نمایشنامه برداشت بهرام بیضایی است از این اسطوره.

● چرا به سراغ این موضوع رفتید؟

● در این متن چیزی که بسیار جذاب است، این است که آرش به دلیل خصلت هایی که دارد یک قهرمان حماسی نیست بلکه یک قهرمان تراژیک است، انسانی است بسیار تنها و شجاع که برعلیه نیروهای برتر از خود می جنگد و آدم شرووری نیست و دارای اصالت فردی است. انسانی است که در مقابل مسائل اطراف خود واکنش نشان می دهد و آرش به اعتبار همین روانشناسی فردی، اصول انسانی درست، تنهایی و شجاعتش برای من یک شخصیت جذاب تراژیک است و فکر می کنم تأثیر به سزایی از نظر فکری و عاطفی روی تماشاگر بگذارد.

● نحوه انتخاب بازیگران به چه صورت بوده است؟

● بیشتر از ۱۲ سال است که با یک گروه کار می کنم، هنرمندانی که زبان همدیگر را به خوبی می فهمیم و اعضای گروه می دانند که از یک نمایش نامه چه تصویری دارم و با تکنیک و فکر من آشنا هستند.

داود فتحعلی بیگی، کارگردان نمایش «نمایش ممنوع»:

حضور تجربه را پررنگ کنیم

● از نمایش تان بگوئید...

● در سال ۷۰ ما برای اولین بار اقدام به برگزاری یک دوره آموزش نمایش تخته حوضی کردیم که البته چون تجربه اول بود چندان مفید نبود اما در طی آن دوره، با استفاده از یکی از مضامین تخته حوضی یا نمایش سلطنتی و فی البداهه هایی که بوجود آمد اقدام به نگارش این متن کردم که البته با توجه به تنه اصلی نمایش حاشیه هایی که گریزی به مسایل انتقادی بود نیز نوشتم.

نمایش داستان غلام سیاهی است که به جرم شکستن یک کاسه چینی قرار است به دستور سلطانی کشته شود. اما غلام سیاه چون می دانسته است ۱۹ کاسه دیگر از این دست وجود دارد برای جلوگیری از مرگ ۱۹ غلام دیگر همه کاسه ها را می شکند.

● موقع اجرای نمایش در تالار سنگلج بخاطر متروک بودن آن با چه مشکلاتی روبرو بودید؟

● بزرگترین مشکلی که ما به غیر از مسایل فنی موجود در سالن داشتیم ناشناخته بودن سالن برای میهمانان، بخصوص جوانان بود که برای بازسازی این سالن نیاز به تبلیغات و انتخاب نمایشهای خوب در طول سال برای این تالار است.

● آیا بهتر نبود همه گروه های نمایشی در یک رده با هم به رقابت می پرداختند؟

● من رشد تئاتر را در مسابقه نمی دانم. رشد تئاتر بستگی به نحوه اداره کردن آن دارد. به دیگر عبارت اداره تئاتر باید متناسب با رشد تئاتر باشد که اینگونه نیست.

به راستی نمی شود هر ۲ سال یکبار نمایش اجرا کرد و بعد انتظار داشت که گروه های خوب تئاتری هم داشته باشیم و در نتیجه از جشنواره خوبی هم برخوردار باشیم. یک گروه حرفه ای تئاتر نیاز به اجرای مستمر در طول سال دارد.

مهرداد سخندانی

کلاب آدینه، کارگردان تئاتر «شبی در طهران»:

آینده را بسیار روشن می‌بینم

تئاتر را مشخص می‌کند و هم چنین اشتیاق مردم و لزوم وجود تئاتر در جامعه. در نتیجه حجم زیاد تولیدات کمبودها خودنمایی می‌کند و از این طریق می‌توان در جهت رفع کمبودها برآمد. این کار می‌تواند در یک دوره طولانی حاصل خوبی داشته باشد. الان برای هر سالن نمایش ده‌ها متقاضی اجرا وجود دارد و این خوشحال‌کننده است.

○ پس آینده را بسیار روشن می‌بینید؟

بله، بسیار زیاد. ممکن است کسانی که در این دوره کار می‌کنند زیاد لطمه بخورند. می‌دانم که شرایط کار سخت است و با معذوریت‌های بسیاری روبرو هستیم ولی خوب ما نباید همه چیز را برای زمان حال بخواهیم.

آیندگان هم بسیار مهم هستند. همانطور که گذشتگان سختی‌های بسیاری را تحمل کردند که ما اکنون بتوانیم کار کنیم هیچ اشکالی ندارد و بسیار زیباست که ما هم در زمان خودمان یک سری مشکلات را تحمل کنیم تا آیندگان راحت‌تر کار کنند.



صورت وقتی سال‌های متمادی این انگیزه رقابت به وجود آید طبیعی است که هر کس سال بعد آماده‌تر و پربارتر حضور پیدا کند.

○ نظرتان در باره بالا رفتن حجم تولیدات تئاتر در کشور چیست؟

بالا بودن میزان تولیدات در مرحله اول اشتیاق دست‌اندرکاران

در بخش جداگانه‌ای اجرا شوند.

○ فکر می‌کنید برگزاری جشنواره چه تأثیری در روند تئاتر کشور دارد؟

مهمترین تأثیرش ایجاد انگیزه کار و فعالیت برای گروه‌های نمایش است. ممکن است در کوتاه مدت تأثیر بزرگی نداشته باشد ولی به هر

نظرم درست هم هست. یک سری کارها باید با هم به رقابت بپردازد و بسیار خوب است که زمینه‌ای مساعد فراهم شود تا جوانان بتوانند خود را محک بزنند. یک سری کارها هم به دلیل خصوصیاتشان که ممکن است قبلاً اجرا شده باشند، مثل کار ما، یا به دلیل کارگردان‌هایشان باید

استقبال مردم از نمایش آنطور که انتظار داشتیم نبود تعدادی نقد هم در مطبوعات درباره این نمایش به چاپ رسید که همگی فقط به شدت کار را کوبیدند. در تمام آن‌ها یک نکته نبود که برای ما راهنمایی‌کننده باشد. جدا از یکی دو نقد بقیه نه تنها کمکی به ما نکرد بلکه فقط یک احساس تأسف در ما به وجود آورد که چرا صفحه‌های فرهنگی روزنامه‌ها باید به دست آدم‌های ناوارد اداره شود.

○ جشنواره امسال را چگونه می‌بینید؟

هنوز فرصت استفاده از برنامه‌های جشنواره را پیدا نکرده‌ام ولی برنامه‌هایی که اعلام شده امیدوارکننده هستند. آنچه در نظر اول توجه هر کسی را جلب می‌کند حجم بالای تولیدات در یک سال اخیر است که امیدوارم در سال‌های آینده همراه بالا رفتن کمیت، شاهد بالا رفتن کیفیت‌ها نیز باشیم.

○ نظرتان در باره تفکیک نمایش‌های شرکت‌کننده به دو بخش ویژه و مسابقه چیست؟

این کار متداولی است که به

○ از «شبی در طهران» بگویید. مدتی است که اجرای عمومی این نمایش به پایان رسیده و حالا در بخش ویژه جشنواره شرکت کرده است...

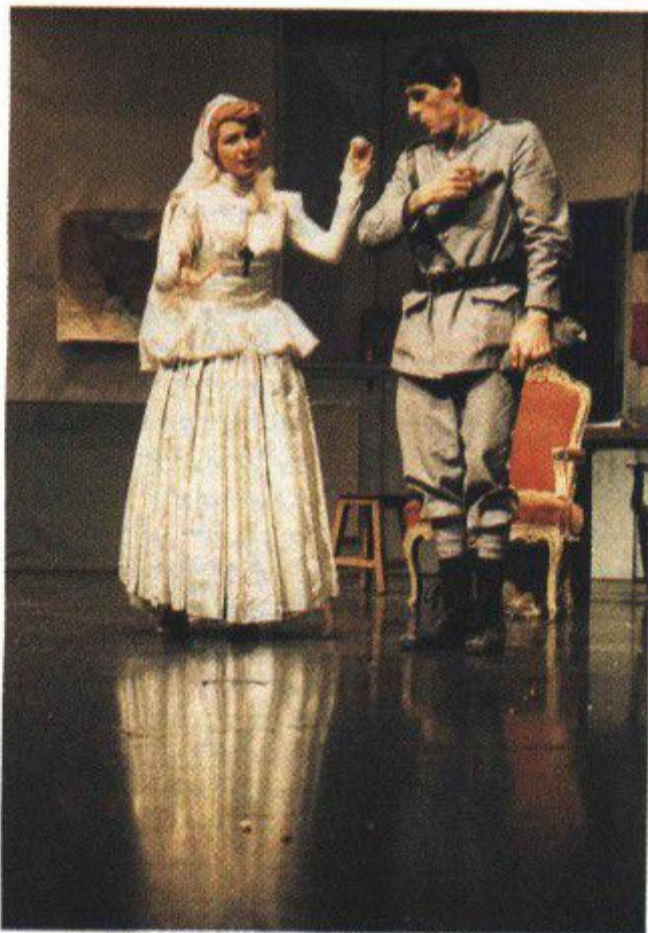
نوشتن از دی ماه ۷۵ شروع شد و چهار ماه طول کشید و اجرای عمومی هم یک ماه پیش به پایان رسید. «شبی در طهران» در باره یک گروه تئاتر است که می‌خواهند نمایشی را در فضای باز سیاسی به وجود آمده، به صحنه ببرند. آن‌ها با مخالفت اداره نمایش وقت روبرو می‌شوند و تصمیم می‌گیرند به طور خصوصی تئاتر را به صحنه ببرند. ماجراهای نمایش در یک کلاب تئاتر می‌گذرد و از روابط آدم‌هایی که در ساعت مقررات منع عبور و مرور در شهر تردد کرده‌اند بوجود می‌آید.

تمرین‌های این نمایش از اردیبهشت ماه گذشته به طور پراکنده آغاز شد که با نزدیک شدن به زمان اجرا فشرده‌تر شد.

○ با توجه به این که اجرای عمومی را پشت سر گذاشته‌اید، بازتاب آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

افشین زارعی بازیگر شبی در طهران، فرود سیاوش و سوگ مضحکه یادگار زیران:

چه بسا کارگردان را گول بزنم!



می‌کند. پس از تحلیل، بازیگر با شخصیت آشنا می‌شود و با آن ارتباط برقرار می‌کند.

از این مرحله به بعد من بیشتر خودم با شخصیت کلنجار می‌روم تا شخصیت را بیافرینم. در مجموع زیاد به کارگردان متکی نیستم. معتقدم از آن‌جا که ذهن کارگردان دچار چندین شخصیت مختلف است، ممکن است گوشه‌هایی از ساختمان شکل دهنده شخصیت را که به من محول کرده نادیده بگیرد.

این است که خودم را به طور کلی در اختیار کارگردان قرار نمی‌دهم. حتی اگر کارگردان چیزی را می‌خواهد که با تحلیل من از شخصیت نمی‌خواند، چه بسا که کارگردان را گول بزنم. یعنی هم آن چیزی را که او می‌خواهد ارائه دهم و هم فکر خودم را اجرا کنم.

○ دانشجویان رشته نمایش چه وضعی دارند و چند درصد از آنها توانایی راه‌یابی به عرصه‌های حرفه‌ای را دارند؟

درصد بسیار کمی. از زمانی که دانشجویان شدم تا الان یک روز هم خودم را بیکار نگذاشته‌ام. در دانشکده تعداد انگشت شماری بودیم که به این شکل کار می‌کردیم و از هیچ کاری روی گردان نبودیم. این بود که به مرور زمان به اجراهای حرفه‌ای کشیده شدیم. احساس می‌کنم دانشجویان از آن‌جا که هیچ دلخوشی ندارند، چه از نظر مالی و چه از نظر شرایط تحصیلی و آینده، دل به کار نمی‌دهند. دانشکده‌های ما از کمبود استادان دلسوز رنج می‌برند. ما استاد زیاد داریم ولی استاد دلسوز کم داریم. دانشجویان الان کار نمی‌کنند چون فکر می‌کنند هیچ اهمیتی ندارد. بالاخره مدرکی می‌گیرند و بدون هیچ چشم‌انداز روشن بیرون می‌آیند.

من پیشنهاد می‌کنم که این دلسردی را کنار بگذارند. نمی‌خواهم شعار بدهم ولی مطمئن هستم اگر کارشان را درست انجام دهند پس از چند کار حتماً موفق خواهند شد. هیچ کس در کارهای اول و دوم به تمام معنا موفق نیست. باید تجربه کرد تا اشکالات از بین برود. من با دیدگاه‌های آرمانی به این حرفه آمدم و این رشته را واقعاً انتخاب کردم. با تمام مشکلات، گرسنگی کشیدن‌ها، ندراری‌های و کوچک شدن‌ها باز هم ماندم.

○ وضعیت بازیگری در عرصه‌های چگونه است؟

الان هر کسی را می‌بینید، مدعی بازیگری است؛ آن هم از نوع

○ کار تئاتر را چگونه آغاز کردید؟

بازیگری را به صورت جدی با ورود به دانشگاه در سال ۷۱ آغاز کردم. در حال حاضر نیز در مقطع کارشناسی ارشد در رشته کارگردانی مشغول تحصیل هستم. در جشنواره امسال با سه نمایش شرکت کرده‌ام: شبی در طهران به کارگردانی گلاب آدینه، فرود سیاوش به کارگردانی مریم معترف و سوگ مضحکه یادگار زیران به کارگردانی شکر خدا گودرزی

○ بازی شما در نمایش شبی در طهران کمی شلوغ به نظر می‌رسد. آیا واقعاً این طور هست؟

من اگر می‌خواستم زیرکی شخصیت مورد نظر را با یک بازی درونی اجرا کنم نمی‌توانستم به این نتیجه برسم. بنابراین از سرعت عمل و فیزیک برای القای تیزی شخصیت و سیاس بودن او استفاده کردم. فکر خود را با خانم آدینه در میان گذاشتم و ایشان هم موافقت کردند.

یک مورد دیگر تعدد شخصیت‌هایی است که در این نمایش وجود دارند. اگر از حرکت استفاده زیادی نمی‌کردم شاید اصلاً دراکولا دیده نمی‌شد. در سالن عریضی مثل سالن اصلی تئاتر شهر اگر بازیگر بخواهد بازی درونی ارائه دهد اصلاً دیده نمی‌شود. این جاست که حرکت به بازیگر کمک می‌کند نه دیالوگ. چون این سالن اصلاً از نظر صوتی نیز سالن مناسبی نیست.

○ کارتان را در «سوگ مضحکه یادگار زیران» چگونه تحلیل می‌کنید؟

در این نمایش بیشتر از ده نقش بازی می‌کنم. این است که نمی‌شود بطور مشخص درباره آن صحبت کرد. این تعدد شخصیت‌ها توضیح رسیدن به آن‌ها را دشوار می‌کند. برای این نمایش مطالعاتی در زمینه کارهای اساطیری و باستانی انجام دادم. تجربیات چندساله صحنه نیز کمک زیادی در این کار به من کردند.

○ و کارتان با خانم معترف؟

متن این نمایش را آقای باستانی نوشته و من با شناختی که از خانم معترف داشتم این کار را قبول کردم.

○ چقدر از کارگردان خط می‌گیرید؟

خط اصلی را کارگردان می‌دهد چون بخش اصلی کار تحلیل است. پس از روشن شدن زوایای مختلف شخصیت، بازیگر احساس راحتی

حرفه‌ای اش.

افراد با پشت سر گذاشتن یک تجربه شخص دیگری را قبول ندارند. این خودبینی‌ها بازیگر را خراب می‌کند. الان دیگر صداقت در بین ما از بین رفته است. اگر قرار است با کارگردانی کار کنم اولین چیزی که به ذهنم می‌رسد این است که «مبادا پول مرا بخورد» یا این که «چقدر می‌خواهد پول بدهد؟» چرا باید اجازه بدهیم که مسائل مالی ملاک کار ما بشوند؟

○ مورد خاص دیگری اگر باقی مانده...

این روزها بحث سیاست‌گذاری در باره تئاتر کشور و جشنواره بسیار داغ است و همه در باره آن صحبت می‌کنند. خدا می‌داند که تا کجا خواهد رسید. بلیت‌های جشنواره پیش فروش شده و من هنوز هیچ بلیتی ندارم. متأسفم که برای من نوعی با این که در این سال‌ها به طور مداوم کار کرده‌ام هیچ تسهیلاتی در نظر گرفته نمی‌شود. من در خودم این نیاز را حس می‌کنم که بسیاری از کارهای حرفه‌ای جشنواره امسال را ببینم. چون برایم بسیار مهم هستند. اما وقتی حساب می‌کنم می‌بینم باید رقم بالایی برای آن بپردازم و چون ندارم نمی‌روم. شاید غیرمنطقی به نظر برسد ولی واقعیت دارد.

راستی چه شد که آدمهای تئاتری بکوه ناپیدا شدند؟ چرا تئاتر را کنار گذاشتید؟

گرچه سیلاب خوش دوم خرداد زمین تشنه و سله بسته تئاتر را به قدر زنده ماندنی جان تازه بخشید، و گرچه این تن بی رمق از احتضار به حیات آمد، اما تئاتر، هنوز بیمار برخاسته از رخت مریضی است که سخت ترین لحظات نقابت را سپری می کند.

راستی چه شد که آدمهای تئاتری یکدفعه ناپیدا شدند؟ آدمهایی که در تئاتر برای خود و دیگران کسی بودند و بعد ناگهان چون باد در هوا گم شدند.

قدر مسلم رکودی که پس از دوران انقلاب دامن گیر تئاتر شد، این هنر را تا سالیان درازی چنان به سکوت و انزوا کشانید که نسل جوان کمتر معاشرت و انسی با نمایش دارند.

این در حالی است که بزرگترین آدمهای سینمای ما را آدمهایی ساخته اند که ریشه در تئاتر این مملکت دارند. آدمهایی که حضورشان و بازیها و کارهای ماندگارشان به سینما نیز اعتبار بخشیده است.

راستی، اصلی ترین دلیل این گریز چه بوده است؟ چرا به سر تافتنی دیگر نه از تئاتر نشانی بوده است و نه از آدمهایش. تئاتر که زمانی حرف اول را در هنرهای قدیمی و سنتی ایران می گفت.

فقدان تأمین مالی، جذابیت های واقعی و گاه کاذب سینما و تلویزیون، سیاست های غلط و نامناسب سیاستگذاران تئاتر و البته چند عنصر عمده و قابل توجه دیگر از جمله دلایلی بوده است که تئاتریها را از صحنه نمایش دور کرده است.

نادره خیرآبادی که کار تئاتر را از سال ۱۳۲۶ شروع کرده است در این باره می گوید: با همه پیری که به سراغم آمده است دوست دارم روزی عمرم در صحنه تئاتر به پایان رسد.

معیشتی زندگی بوده است که ما را وادار به ترک صحنه تئاتر کرده است. و گرنه چه کسی می تواند یادمان خوش بازی در نمایشهای جلوب، بادبزن، خانم ویندرمی، آخرین لحظه، روسری قرمز، بسوی تو یا مهمانهای سنج را فراموش کند.

سید امیرسلیمانی که وی نیز یکی از قدیمی های تئاتر است می گوید: نه وجه مالی و نه جذابیت های سینما، هیچ کدام، هیچ وقت نمی تواند و نتوانسته است جای تئاتر را در ذهن ما تئاتریها پر کند.

آنچه که خود من را به شخصه از تئاتر پرهیز داده، سنگ اندازی هایی بود که رغبت را به تئاتر از بین برد. استاد استاد می گفتند، ولی آزارهایی که به این استاد روا می کردند، شایسته نبود.

چشم در چشمم می دوختند و می گفتند استاد نمایشنامه شما رد است، تصویب نشده است. اگر من استادم که کارم را بلدم و اگر اینکاره نیستم پس چرا می گوید استاد!

قبل از بازنشستی از اداره تئاتر آخرین کاری که به صحنه آوردم سایه سیمرخ بود. بعد از ۴ ماه تمرین و دوندگی، دستمزد من کارگردان ۴۰۰۰ تومان بود!

چرا چون آدمهای غیرمتخصص در رأس کار بودند. آدمهایی که سلیقه ای عمل می کردند و بودجه ای را که در اختیار داشتند صرف آدمهای واقعی تئاتری نمی کردند. در حالی که تئاتر، اگر دست آدم تئاتری باشد خرجش را درمی آورد.

اگر اشتباه نکنم همین سال ۱۳۶۸ بود که ناهار لعنتی را بر روی صحنه بردم. با بلیت ۱۵-۱۰ تومان. همان سال نمایش ما ۵۰۰ هزار تومان فروش کرد. همان سال من ۵۰-۶۰ هزار تومان به بازیگرانم دستمزد دادم.

این فروش برای سال ۶۸ رقم کمی نبود. تئاتر باید به آدمهای تئاتری سپرده شود. من نوعی که ۴۰ سال است کار تئاتر می کنم، می دانم

مقرر بالا می رود و تو در وقت معیشتی می بایستی زیر دست گرموزت باشی. تئاتر اخلاق و رفتار خاصی می طلبد که تو بعنوان هنرمند باید با اخلاق تئاتری، با این هنر و آدمهای مقابلت برخورد کنی.

تئاتر به لحاظ مادی هنر فقیره است. اما این فقر در بضاعت مهربانی آن جبران می شود. اما سینما یعنی بیزینس. برای ما قدیمی های تئاتر دیگر شهرت و هیجان نیست که ما را به صحنه می کشاند؟ آنچه که ما را جذب می کند نفس هنری است که به لحاظ فرهنگی و فکری در بالاترین حد تصور قرار دارد.

چرا بعد از آن پیشینه تئاتری، در تمام این سالها کناری را به صحنه نبرده اند؟

محمدعلی کشاورز: برای ما که سن و سالی از ما گذشته است، بالا-باییین رفتن از دست اندازهای اداری دیگر ممکن نیست.

سن ما تقاضای کش و فوس با مشکلات اداری را نمی دهد. دیگر زمان آمد و شد ما برای تصویب فلان نمایشنامه و دیدن و جنگیدن برای تصویب فلان قدر بودجه نیست. این آمد و شدها برای ما دیگر دیر شده است.

یادش بخیر، زمان علی منتظری، منتظری اهل هنر بود. برای تئاتر بعد از انقلاب این مملکت خیلی زحمت کشید. از هم گسختگی که پس از رفتن او ایجاد شد، در زمان او نبود. منتظری برای آدمهای قدیمی حرمت قائل بود. مشورت می کرد، دعوت به همکاری می کرد.

اما درباره خودم، دوست دارم زمانی کار کنم که بتوانم یک نمایش خوب به صحنه بدم. یک درام بسیار مناسب فسرز و فرودهای نمایشی. تنها مسایل مادی نیست که تئاتر را می سازد، تئاتر نیازمند پشتوانه معنوی است. تئاتر در تمام دنیا به حمایت و سوبسید دولتی احتیاج دارد. سرمایه گذاری خصوصی هیچوقت برای تئاتر سرمایه ای صرف نکرده است، بنابراین تئاتر برای بقای خود به کمک های دولتی و آگاهانه دولت متکی بوده است.

تئاتر را هیچ وقت نباید به مسایل سیاسی آلود. سیاست جدای از فرهنگ است. تئاتر آگاهی دهنده و ارتقاءبخش سطح ذهن و تفکر آدمهای اجتماع یک جامعه است.

تئاتر سلیقه شخصی، اعمال نظری غیرکارشناسانه و حسادت و تنگ نظری را نمی پذیرد. اینکه چرا فلانی کار کرد، چرا من کار نمی کنم، غرض ورزانه ترین حرف ممکن است. تئاتر تنها در سعه صدر و بزرگواری هاست که زنده می ماند و بقا می یابد.

ندارند. تئاتر آدمهای عاشق می طلبد. تئاتر به آدمهایی که صحنه را و آدمهای علاقه مند را محلی برای سودجویی و منافع مادی و شخصی خود کنند، احتیاج ندارد.

به راحتی از چهره پردازی و صحنه آرایبی می پرند و می شوند کارگردان. سریال های آسکی و فیلم های بی محتوای سینمایی می سازند. چرا؟ واقعاً تئاتر یعنی این؟!؟

معنی بیشتر این حرفها احساس بی حرمتی یا کم توجهی نسبت به آدمهایی است که روزی صحنه های تئاتر را در تسخیر بازی های درخشان و یادهای ماندگار خود داشته اند.

این در حالی است که حضور همین آدمها در صحنه های تئاتر، در کنار جوانترهای مستعد و علاقه مند به مفهوم انتقال مفاهیم و تجربیات عمیقی است که در طول سالها و سالها کسب سواد علمی و عملی از آن آدمهای ارزشمند و قدیمی شده است.

نسلی که البته از نسل تازه روی آورده به مقوله هنر نمایش حداقل خواسته اش، حرمت موی سپیدی است که از گذر خاک صحنه و استادهای پیشین خود به دست آمده است.

اما به نظر می رسد نصرالله قادری در این میان مایل است حرف دیگری بگوید. «اینکه می گوید چون بودجه ای نبوده است. بازیگران قدیمی هم کار نکرده اند، اصلاً اینطور نیست. اصلاً در این باره با شما موافق نیستم. در تمام این مدت تئاتر بودجه کلانی داشته است.

اما همیشه بعضی از همین قدیمی های آستان بوس اپوزسیون نق زده اند. بعضی از همین قدیمی هایی که هم زمان شاه نور چشمی بوده اند و هم در زمان نجفی و مسعود شاهی و منتظری و سلیمی.

من سالهای متمادی رئیس شورای نظارت مرکز هنرهای نمایشی بوده ام. کدامیک از همین آقایانی که مدام نق می زنند متنی آورده اند که تصویب نشده است. در همان زمان، همین شورا متن هایی چون آتش افروزان و ساحره سوزان را تصویب و روانه صحنه کرد. در همان هوای کهنه ای که هیچ بوی نسیمی هم از دم خرداد نبود.

خوبی حرفهایی چنین تند که گاه تلخی زهر آگینی به خود می گیرند، حداقل حسنش قرار گرفتن در کنار حرفهای آدمهای دیگری است که در بیانی معمولی و متعادل درباره تئاتر و واقعیت های رفته بر آن گفته اند.

قدر مسلم هیچ عقل منصفی چنین زبان تشندی را برای هیچ پیشکسوت قدیمی نمی پذیرد. تاریخ گرچه نسل به نسل، زبان به زبان به دیگری منتقل شده باشد، هر قدر هم که گفته هایی ناراست در آن وارد شده باشد، اما همه اش دروغ نیست.

بهباز فراهانی در این باره می گوید: «واقعیت این است که ما، نه به این خاطر که چون پا به سن گذاشته ایم، حرمت طلب شده ایم، که اعتقاد ما این است

که کسانی که از کوران های سخت و تلخ هنری گذشته اند باید رنجشان پاس داشته شود.

به نظر من در این ۱۵-۱۴ ساله به ما و حرفه ما بی احترامی شده است و مجموعه هنر تئاتر در لهاجم هر که از راه رسیده قرار گرفته است.

ما و استادها پیش از ما از میدان کنار گذاشته شده اند و اکنون که نوبت ماست، ما نیز مشکلاتمان خارج از کل جامعه نیست.

تا زمانی که اصل دموکراتیک رعایت نشود هنر در بند است. اعمال سلیقه های شخصی و سیاست گذاری های غلط، اعمال قدرت های فردی، ناهنجاری های دیگری که در کلیت هنر جریان دارد و سازی است.

کسانی که متن هایشان تصویب شد و کسانی که متن ها را تصویب نکرده اند به خوبی از کلام من آگاهند. خود من ۲ ماه تمام نمایشنامه ای را تمرین کرده ام، ولی زیر تیغ تیز سانسور، مثله شده است.

فکر می کنم اگر قرار باشد نقشی واقعی در خون و رگ تئاتر جاری شود، حمایت از خیلی از کسانی است که اکنون در این میدان حضور ندارند. برخلاف بسیاری که همه کاره هستند اما هنوز فریاد می زنند که بر ما ظلم شده است.

مرضیه برومند

«مرضیه برومند» آخرین کسی است که در این گزارش درباره تئاتر و دلیل کناره گیری آدمهای تئاتری و نیز مشکلاتی که امروزه تئاتر ما با آن روبروست، در مجالتی که گزارش ما می طلبیده حرفهایی گفته است: «مسایل اقتصادی و تخصیص بودجه اندکی که عملاً تضمینی برای وضع معیشتی تئاتریها نیست، سیاست گذاری های غلط و نامناسب و بسیاری از عوامل دیگر از جمله مواردی است که عملاً بسیاری را از فضای تئاتر این مملکت دور کرده است.

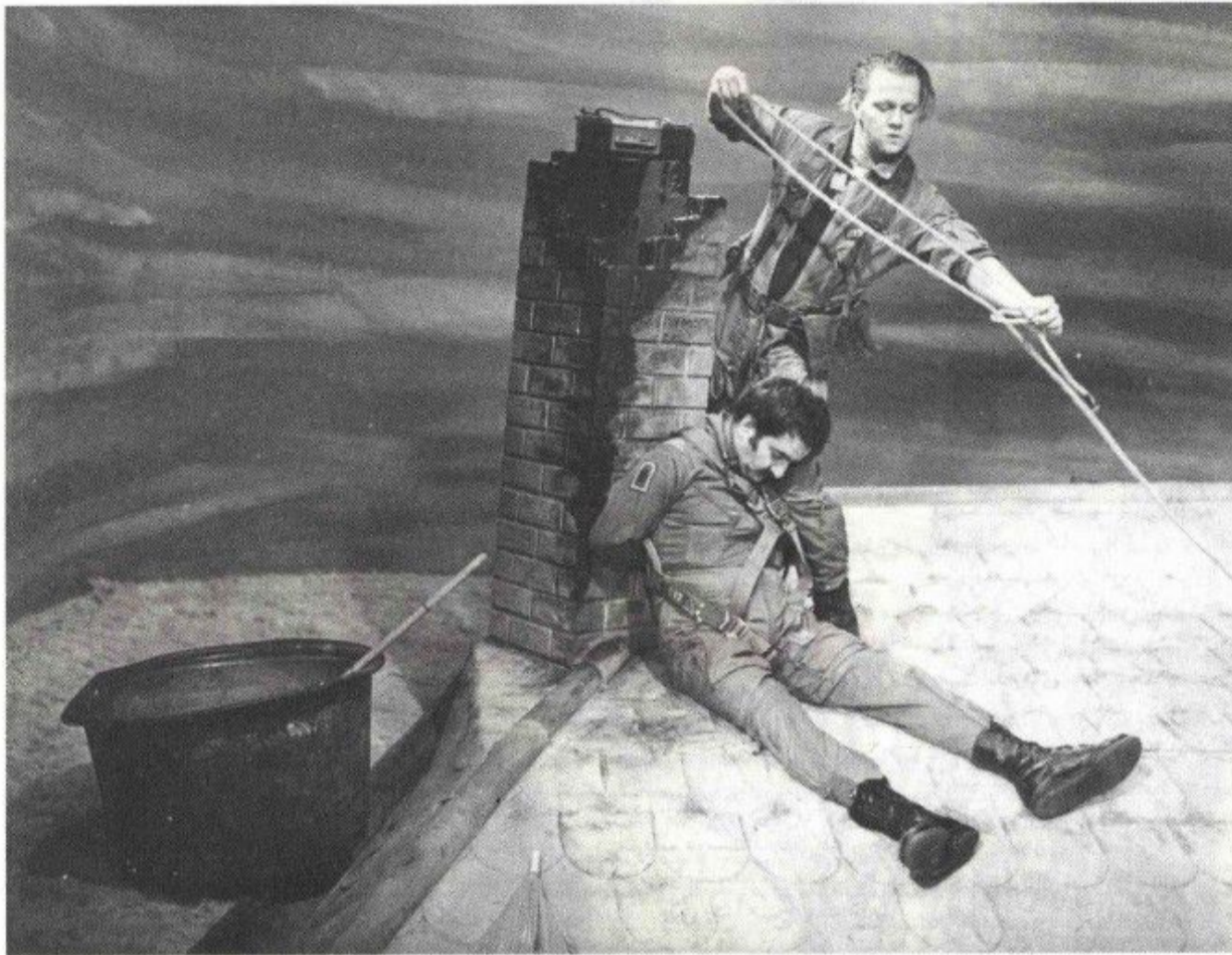
هنر نمایش، حرفه وقت گیری است. به ویژه اینکه در مقابل وقت بسیاری که می برد از نظر اقتصادی با درآمد سینما و تلویزیون برابری نمی کند.

مثلاً درباره خود من به رغم علاقه بسیارم به تئاتر همین فراهم نشدن وقت مناسب عملاً مرا از اجرا بازداشته است. می دانید در تمام دنیا دولت برای تئاتر سوبسید می پردازد تا بقایش را حفظ کند و بتواند به رقابت با هنری مثلاً مثل سینما یا رسانه ای مثل تلویزیون بپردازد.

همچنین محدودیت مسالن های نمایشی و نامناسب بودن بسیاری از سالن ها که عملاً استاندارد نیستند، یکی دیگر از مشکلات تئاتر ایران است «سینما کانون» که یکی از سالن های استاندارد تئاتری است عملاً تبدیل به سالن سینما شده است و حتی به رغم تمام هزینه های گزافی که صرف ساخت فرهنگسراها شده است، هیچ کدام از این سالن ها به شکل استاندارد ساخته نشد و مناسب اجرای نمایش نیستند.

زهر اشتاق

روبینسن کروزوئه: دو دشمن دوست



حتی به آن نیندیشیده‌اند: «یکدیگر را در آغوش می‌گیرند». روبینسن کروزوئه که برداشت غیرمستقیمی از کروزوئه معروف است از کشور آلمان در جشنواره حضور دارد.

زنده‌ماندن در اوج ناامیدی است. آهسته آهسته نرم می‌شوند. اشاره‌ها به هم نزدیک‌شان می‌کند. هنگام خداحافظی دو مرد موفق به حرکتی می‌شوند که پیش‌تر

دشمن با هم است که در پی جنگ دو ارتش وسقوط هواپیماهایشان در جزیره‌ای خالی فرود می‌آیند و زبان بیگانه به دشمنی‌شان دامن می‌زند. این نمایش حکایت تلاش برای

«روبینسن کروزوئه» کاری از محمدعلی بهبودی روز شنبه در دوتیوت در تالار اصلی تئاتر شهر به روی صحنه رفت. این نمایش داستان دو سرباز

تماشاگران چه می‌گویند

هیچ چیز از نمایش نفهمیدم!

در این نمایش از حرکاتی که مکمل گفتار بود استفاده می‌شد، تماشاگر بهتر می‌توانست با آن ارتباط برقرار کند و باز اگر کار به فارسی ترجمه می‌شد، تماشاگر خیلی بیشتر از آن لذت می‌برد.

حمیرا قاسمی، خانه‌دار: من هیچ چیز از نمایش را نفهمیدم. فقط می‌دیدم یک مرد تنها با خودش حرف می‌زند گویا به یاد زن و بچه‌اش افتاده بود.

بعضی جاها از زبان ترکی و بعضی جاها از کلمات فارسی استفاده می‌کرد اما نمی‌دانم چرا آن را ترجمه نکرده بودند!

آصفی، دبیر آموزش و پرورش: این نمایش پر شور داشت اما از طرفی تعداد کمی از آن توزیع شد و به همه نرسید از طرف دیگر به زبان آلمانی بود در حالی که خود کار هم به زبان آلمانی روی صحنه رفت پس خیلی نتوانستم آن را بفهمم اما در کل خوشم آمد و فکر می‌کنم با یک ترجمه خوب می‌توانست خیلی موفق باشد.

ناصر نجفی، بازیگر تئاتر و تلویزیون: موضوع اصلی نمایش درباره بچه‌هایی است که در غرب زندگی می‌کنند آن هم به عنوان مهاجر و به دور از دیار خود اما اگر

داستان را نفهمیدم فقط می‌دیدم که عده‌ای می‌خندند و عده‌ای در بعضی قسمت‌ها سکوت می‌کنند و دقیق می‌شوند اما علت آن را نمی‌دانستم چون زبان آلمانی نمی‌فهمیدم. اما از نظر دکورباز، بازیگری، میزاسن و... هیچ برتری نسبت به کارهای خودمان نداشت.

نکته مهم دیگر آن است که تئاترهایی که یک کاراکتر بیشتر ندارند، اصولاً بیشتر تماشاگر را جذب می‌کنند اما اینجا به خاطر همان مشکل مهم یعنی زبان، تماشاگر جذب کار نمی‌شد.

با کاروان سوخته، کاری از محمدعلی بهبودی، نوشته: جلالی مرنودی، دانشجوی رشته تئاتر: نمایش قشنگی به نظر می‌رسید اما فقط مشکل زبان داشت. به نظر اگر به زبان فارسی ترجمه شده بود، تماشاگر بیشتری می‌توانست با کاراکتر آن ارتباط برقرار کند از طرفی بی‌شبهت به نمایشنامه‌های خودمان نبود، همان امکانات، همان فضا و همان طراحی صحنه.

دانشجوی رشته تئاتر: مشکل اصلی کار، مشکل زبان بود و به همین خاطر کل

گروه نمایش ماهابهاراتا جمعه در تهران است

یک گروه نمایش هندی که نمایش ماهابهاراتا (کاتاکالی) را در جشنواره دارند، جمعه نهم بهمن وارد تهران می‌شوند. کاتاکالی یک شیوه نمایش در هند است و از اصالت و قدمت خاصی در این کشور برخوردار است. این نمایش در بزرگداشت شیوا خدای رقص اجرا می‌شود. این برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی است که کاتاکالی توسط یک گروه هندی در ایران اجرا می‌شود.

ماهابهاراتا دوشنبه، دوازدهم و سه شنبه، سیزدهم بهمن ماه، ساعت ۲۰ در تالار شهید حیدر زینیا به روی صحنه می‌رود.

امروز با جشنواره

- تالار وحدت: ساعت ۱۸/۳۰، سلطان سنجر و امیر علیشیرنویسی، خارجی (تاج محمد محمد ولیف، تاجیکستان)
- تالار اصلی (تئاتر شهر): ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰ جنبش انقیه در کلکته گا، ویژه (سیروس شاملو - تهران)
- تالار چهارسو: ساعت ۱۷ و ۱۹، بازگشتنی نیست. ویژه (گلچهره سجادیه - تهران)
- تالار سایه: ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، فرود سیاوش، ویژه (مریم معترف - تهران)
- تالار شماره ۲ تئاتر شهر: ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹، پانسیون، مسابقه (مصطفی توفیقی - بروجن)
- تالار سنگلج: ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، نمایش ممنوع، ویژه (داود فتحعلی بیگی - تهران)
- تالار مولوی: ساعت ۱۶ و ۱۸، رقص کاغذپاره‌ها، مسابقه (محمد یعقوبی - تهران)
- تالار فارابی: ساعت ۱۷ و ۱۸/۳۰، همیلا، مسابقه (فرشید صمدی پور - بروجرد)
- تالار هنر: ساعت ۱۷/۳۰، ازدهاک، جشنواره جشنواره‌ها، (بوشهر)
- تالار میراث فرهنگی: ساعت ۱۹، حکایت مطربان این دیار، مسابقه (رحمان سیفی آزاد - تهران)
- تالار مجموعه آزادی: ساعت ۱۷/۳۰، رویای یک نیمه شب تابستان، ویژه، (کریمی حکاک - تهران)
- تالار قشقای: ساعت ۱۶ تا ۲۲ - نقاشی

فردا با جشنواره

- تالار وحدت: ساعت ۱۸/۳۰، سلطان سنجر و امیر علیشیرنویسی، خارجی (تاج محمد محمدولیف - ترکمنستان)
- تالار اصلی (تئاتر شهر): ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، جنبش انقیه در کلکته گا، ویژه (سیروس شاملو - تهران)
- تالار چهارسو: ساعت ۱۷ و ۱۹، نیلوفر آبی، مسابقه (حمید امجد - تهران)
- تالار سایه: ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، فرود سیاوش، ویژه (مریم معترف - تهران)
- تالار شماره ۲ تئاتر شهر: ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹، حکایت مطربان این دیار، مسابقه (رحمان سیفی آزاد - تهران)
- تالار سنگلج: ساعت ۱۷/۳۰ و ۱۹/۳۰، رویای نیمه شب، مسابقه (ناصر کوشان، تهران)
- تالار مولوی: ساعت ۱۶ و ۱۸، شکارگاه ممنوع، مسابقه (نادر برهانی مرند - تهران)
- تالار فارابی: ساعت ۱۷ و ۱۸/۳۰، رکوئیم، مسابقه (پردیس افکاری - تهران)
- تالار هنر: ساعت ۱۷/۳۰، نگین، جشنواره جشنواره‌ها (مشهد)
- تالار میراث فرهنگی: ساعت ۱۹، مجلس نامه، مسابقه (محمد رحمانیان - تهران)
- تالار مجموعه آزادی: ساعت ۱۷/۳۰، رویای یک نیمه شب تابستان، ویژه (کریمی حکاک)
- تالار قشقای: ساعت ۱۶ تا ۲۱، حرکات موزون (ستی)

شناخت تئاتر ایران و جهان در سمینارهای جشنواره

شنبه، دهم بهمن ماه ۷۷، ساعت ۱۰ تا ۱۱/۱۵ سخنرانی دکتر مصطفی مختاباد با عنوان «چشم‌اندازی به تئاتر قرن بیستم» و سخنرانی پری صابری در زمینه «جوهره تئاتر»

ساعت ۱۱/۳۰ تا ۱۳ سخنرانی عباس شادروان با محور «اجرای مدرن از آثار کلاسیک تئاتر نوین جهان»

یکشنبه یازدهم بهمن ماه، ساعت ۱۰ تا ۱۱/۱۵ سخنرانی سامسون استپانیان کارگردان نمایش ارمنستان.

ساعت ۱۱/۳۰ تا ۱۳ سخنرانی پری دخت زاهدی با عنوان «جایگاه تئاتر خیابانی در تئاتر نوین جهان»

دوشنبه، دوازدهم بهمن ماه، ساعت ۱۰ تا ۱۱/۱۵ سخنرانی حمید سمندریان با محور گفتگوی تالار نمایش و صحنه

ساعت ۱۱/۳۰ تا ۱۳ سخنرانی خسرو خورشیدی تحت «عنوان صحنه پردازی در تئاتر نوین جهان»

سه شنبه سیزدهم بهمن ماه، ساعت ۱۰ تا ۱۱/۱۵ سخنرانی هلموت شفر با عنوان «مفهوم دراماتروژی»

ساعت ۱۱/۳۰ تا ۱۳ سخنرانی «خدای آلبانو» پیرامون نقش ماسک در کمد یا دلارت و مصاحبه مطبوعاتی گروه کاتاکالی از هندوستان

چهارشنبه، چهاردهم بهمن ماه، ساعت ۱۰ تا ۱۱/۱۵ سخنرانی دکتر روبرتو چولی پیرامون «شیوه کارگردانی در آثار خودشان» نمایش‌های ارائه شده در جشنواره.

نشانی: خیابان کارگر شمالی، ضلع شمالی پارک لاله، چهارراه فاطمی، موزه فرش.

گروه نمایش «مرگ کیکاس» امشب به تهران می‌رسند

گروه نمایش «مرگ کیکاس» امشب وارد تهران خواهد شد. این گروه ۱۵ نفره ارمنستانی پس از دو روز استراحت نمایش مرگ کیکاس را چهار بار در سالن سنگلج به روی صحنه می‌برند. مرگ کیکاس به کارگردانی سامسون استپانیان داستان یک خانواده تنگدست روستایی است که دختر خود را برای آوردن آب به کنار چشمه می‌فرستد. دختر در کنار چشمه تصور می‌کند ازدواج کرده و پسری به نام کیکاس را به دنیا آورده است. پسرک می‌میرد. خانواده در جستجوی دختر او را کنار چشمه می‌یابند و بعد از شنیدن داستان دختر گاوی را که تنها ثروت آنها به شمار رفته به یاد کیکاس قربانی می‌کنند.

معاون وزیر فرهنگ تاجیکستان در جشنواره

«جمشید اسماعیل اف» معاون وزیر فرهنگ تاجیکستان برای حضور در هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به تهران می‌آید. به گزارش خبرنگار ما جمشید اسماعیل اف معاون وزیر فرهنگ تاجیکستان تا ۱۲ بهمن میهمان جشنواره خواهد بود. گفتنی است از کشور تاجیکستان یک گروه نمایشی بیست و پنج نفره در جشنواره حضور خواهند داشت.

داوران بخش مسابقه جشنواره چه کسانی هستند

آثار بخش مسابقه هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را پنج کارشناس ارشد تئاتر قضاوت می‌کنند. سعید کشن فلاح، داود رشیدی، دکتر محمدرضا خاکی، دکتر مهدی حجت و بهروز غریب پور از جمله کسانی هستند که برای داوری بخش مسابقه جشنواره تئاتر فجر انتخاب شده‌اند.

این گروه همزمان با افتتاحیه جشنواره کار خود را آغاز کرده‌اند و اکنون مشغول بازبینی تئاترها هستند.

در بخش مسابقه هفدهمین جشنواره تئاتر فجر ۱۸ نمایش حضور دارد.